



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم دومین مؤیدی که شیخ انصاری (ره) برای صحت بیع فضولی ذکر کرده اخباری هستند که در باب اتجار به مال یتیم وارد شده اند ، شیخ انصاری تبعاً لصاحب جواهر فرمودند حتماً کسی که در مال یتیم تصرف و با آن تجارت کرده فضول بوده زیرا شخص بیگانه ای که ولی و وصی و وکیل و کلاً مأذون نبوده با مال یتیم تجارت کرده و بعد در روایات گفته شده : «الریح للیتیم» و این یعنی اینکه حتماً بیع و شراء فضولاً واقع شده و بعد ولی یتیم اجازه داده که در وراثت گفته : «الریح للیتیم» ، شیخ انصاری اینجور فرض کرده ولی وقتی ما به مجموع روایات اتجاز به مال یتیم مراجعه می کنیم می بینیم که در روایاتمان اسمی از شخص اجنبی و بیگانه برده نشده بلکه اخبارمان مربوط به وصی و ولی و کلاً کسی است که إذن در تصرف دارد که در اینصورت اخبار مذکور دیگر به بحث فضولی مربوط نمی شوند .

عرض کردیم اخبار مربوط به اتجار به مال یتیم به سه دسته تقسیم می شوند :

دسته ی اول یعنی اخبار ۸ و ۵ و ۲ از باب ۲ از ابواب من تجب علیه الزکاة که در ص ۵۷ و ص ۵۸ از جلد ۶ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده اند ، ( مطلقاً ضمان ) اخباری هستند و دلالت دارند بر اینکه تاجر ضامن است ولی : الریح للیتیم .

دسته ی دوم یعنی خبر ۶ از باب ۲ از ابواب من تجب علیه الزکاة ص ۵۸ از جلد ۶ وسائل ۲۰ جلدی و اخبار ۱ و ۲ از باب ۹۲ از ابواب وصایا ص ۴۷۸ از جلد ۱۳ وسائل ۲۰ جلدی و اخبار ۱ و ۲ و ۳ از باب ۷۵ از ابواب ما یکتسب به ص ۱۹۰ از جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ، اخباری هستند که دلالت دارند بر عدم ضمان تاجر إذا کان ناظراً أو وصیاً أو ملیاً .

دسته ی سوم یعنی خبر ۷ از باب ۲ از ابواب من تجب علیه الزکاة ص ۵۸ از جلد ۲ وسائل ۲۰ جلدی و اخبار ۱ و ۲ و ۳ از باب ۷۵ از ابواب ما یکتسب به ص ۱۹۰ از جلد ۱۲ وسائل ۲۰ جلدی ، اخباری هستند که دلالت دارند بر ضمان إذا لم یکن ملیاً یعنی اگر تاجر مال ندارد و فقیر است ضامن می باشد ولی اگر ملى و ثروتمند است ضامن نمی باشد .

خوب و اما همان طور که عرض شد وقتی ما به مجموع اخبار مراجعه می کنیم می بینیم که در روایاتمان اسمی از شخص اجنبی و بیگانه برده نشده بلکه اخبارمان مربوط به وصی و ولی و کسی است که إذن در تصرف دارد می باشند البته بین ملى و غیر ملى فرق گذاشته شده ، از طرفی اخبار دسته ی اول که بر مطلق ضمان دلالت داشتند نیز توسط اخبار دسته ی دوم و سوم مقید می شوند لذا استدلال شیخ انصاری به این اخبار برای اثبات صحت بیع فضولی بخاطر وجود همین اشکال صحیح نمی باشد و حضرت امام (ره) در ص ۱۶۶ از جلد ۲ کتاب البیع و آیت الله خوئی در ص ۶۸۹ از جلد ۲ مصباح الفقاهة و سید فقیه یزدی در ص ۱۱۹ از جلد ۲ حاشیه بر مکاسب و محقق نائینی در ص ۲۰ از جلد ۲

منیة الطالب و عده ای دیگر همگی به این استدلال شیخ اشکال کرده و فرموده اند اخبار مذکور اصلاً مربوط به بحث فضولی نمی باشند .

خوب و اما علاوه بر اشکال مذکور اشکال مهم دیگری نیز بر استدلال شیخ انصاری وارد است و آن اشکال این است که اگر استدلال شیخ درست باشد و واقعا بیگانه ای بامال یتیم فضولياً معامله ای کرده باشد و سپس آن معامله توسط صاحب مال اجازه داده شده باشد این یعنی اینکه عامل چه منفعت کرده باشد و چه ضرر کرده باشد صاحب مال معامله را قبول و آن را اجازه کرده لذا دیگر معنی ندارد که گفته شود : الریح للیتیم و أنت ضامن ، بنابراین ناچاریم بگوئیم شارع مقدس بخاطر حفظ مال یتیم تفصیل قائل شده و تعبداً فرموده اگر کسی که با مال یتیم تجارت می کند ( چه مأذون باشد و چه بیگانه باشد ) اگر ملى و ثروتمند باشد ضامن نیست ولی اگر غیر ملى و فقیر باشد ضامن می باشد .

( اشکال و پاسخ استاد ) : همان طور که در روایتی که خواندیم ( اخبار ۱ و ۲ از باب ۹۲ از ابواب وصایا ) بحثمان در مورد وصی ای است که به آن اختیار داده شده که در اموال وصیت کننده تصرف کند و با آن تجارت کند و بعد سود به دست آمده را بین خودش و بین اولاد صغیر میت تقسیم کند .

شیخ اعظم انصاری (ره) بعد از ذکر اخبار مضاربه و اخبار اتجار به مال یتیم به عنوان مؤید برای صحت بیع فضولی به سراغ مؤیدی دیگر یعنی روایت ابن اشیم ( در علم رجال به دو صورت اشیم أو اشیم خوانده شده ) رفته و می فرماید : « و ربما یؤید المطلب أيضاً : بروایة ابن

أشیم الواردة فی العبد المأذون الذی دفع إلیه مال لیشتري به نسمة و یعتقها ، و یُحجَّه عن أبیه ، فاشتری أباه و أعتقه ، ثم تنازع مولى المأذون و مولى الأب و ورثة الدافع ، و ادعى كل منهم أنه اشتراه بماله ، فقال أبو جعفر علیه السلام : ( یرد المملوک رقاً لمولاه ، و أىّ الفریقین أقاموا البینة بعد ذلك على أنه اشتراه بماله كان رقاً له .. الخبر ) ؛ بناءً على أنه لولا كفاية الاشتراء بعین المال فی تملك المبیع بعد مطالبته المتضمنة لإجازة البیع ، لم یکن مجرد دعوى الشراء بالمال و لا إقامة البینة علیها كافیة فی تملك المبیع . »

خبر ابن اشیم خبر ۱ از باب ۲۵ از ابواب بیع حیوان می باشد که در ص ۵۲ از جلد ۱۳ و سائل ۲۰ جلدی ذکر شده است ، مراجعه و مطالعه کنید تا جلسه ی بعد آن را بخوانیم و مورد بررسی قرار دهیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین